

## ایرانیان، مخترع کاغذ ابری

۲۰ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۲۹

از اختراع فن ابری سازی تقریباً پانصد سال گذشته است اما در جهان هنر، کمتر کسی می داند که این فن در ایران اختراع شده است

از اختراع فن ابری سازی تقریباً پانصد سال گذشته است اما در جهان هنر، کمتر کسی می داند که این فن در ایران اختراع شده است.

دکتر رسول جعفریان در مقالهای به تشریح این موضوع پرداخته است. در این مقاله آمده:

کاغذ ابری توسط جهانگردان اروپا به اروپا شناسانده شده است. مثلاً جورج ساندیز (Sendys George) و توماس هربرت (Thomas) اند کرده معرفی را ابری کاغذ بودند کرده سفر ترکیه و ایران به میلادی هفدهم قرن از سالهایی در و بودند انگلیسی که (Herbert

جورج ساندیز در سفرنامه اش به ترکیه (چاپ لندن، ۱۶۱۵م) - که کاغذ ابری ترکان را معرفی کرده - به نوع رنگ اشاره نکرده است، اما فرانسیس بیکن (Bacon Francis؛ ۱۵۶۱-۱۶۲۶م) در کتاب خود با عنوان Sylvarum Sylva (چاپ لندن، ۱۶۲۷م) و با استفاده از نوشته جورج ساندیز به کاغذ ابری ترکان که با رنگ روغنی ساخته شد اشاره کرده است. همچنین توماس هربرت هم که به ایران آمده بود (میان سالهای ۱۶۲۷ تا ۱۶۲۹م؛ چاپ کتاب: لندن، ۱۶۳۴م) برای ساختن کاغذ ابری، به رنگ روغنی اشاره کرده است. منتهی قدیمترین کاغذ ابری که تا بحال شناسایی شده است، ظاهراً از رنگهای آبی استفاده شده است. شاید اروپائیه در آن زمان پنداشته باشند که شناور شدن رنگهای روغنی روی آب طبیعی تر است. و چندی هم نگذشت که در آلمان دانیل شونتر (Schwenter Daniel؛ ۱۵۸۵ - ۱۶۳۶م) طریقه ابری سازی ترکیه را در تألیف خود معرفی کرد و همچنین Athanasius Kircher کرد معرفی را ترکیه سازی ابری طریقه (۱۶۴۹م، رم چاپ) خود کتاب در Kircher

دیگر نوشته های قدیم اروپا که به کاغذهای ابری اشاره کرده اند، به نظر می رسد که بیشتر به کاغذهای ترکیه مربوط است و اسم ایران نسبت به ترکیه کمتر در آنجاها دیده می شود. شاید به مناسبت نزدیک بودن آن کشور به اروپا چنین قضیه ای به وجود آمده باشد. حتی به جایی رسانده اند که آغاز این فن را به ترکیه منسوب کنند.

امروز نیز ابری سازی در ترکیه شهرت جهانی دارد و در کتابخانه های معتبر اروپا داشتن کارگاه ابری سازی معمول شده است اما ابری سازی در ایران که منشاء این فن است رونق گذشته را از دست داده و تا زمان اخیر حدوداً در متروک بود و در دنیا ناشناخته مانده است. البته همانطوری که همگان می دانند بعد از انقلاب، ابری سازی در ایران مورد توجه قرار گرفته است.

اکنون دانسته شده است که عبدالله مروارید مخترع این فن بوده است اما به نظر من در این مورد باید به امکانی توجه کرد. عبدالله مروارید که در دربار سلطان حسین بایقرا در زمانی مقام صدارت را داشت در آن زمان هنرمند برجسته ای شناخته شده بود و برای مرقع میرعلیشیر نوائی نیز دیباچه را نوشته بود. با توجه به این وضع، امکان دارد که فن ابری سازی در کتابخانه دربار هرات توسط هنرمندان آن کتابخانه اختراع شده باشد و عبدالله مروارید که کتابدار آن کتابخانه هم بود، مفتخر به مقام مخترع این فن شده باشد.

شاید این وضع با کاغذسازی در چین نیز شباهت داشته باشد. سابقاً می گفتند که سای لون چیلی در سال ۱۰۵ میلادی کاغذسازی را اختراع کرد. اما امروز همه می دانند که توسط کاوشهای باستانی کاغذهای ساخته شده در زمانهای قبل از میلادی کشف شده است و سای لون چیلی کاغذسازی را اختراع نکرده است. سای لون کسی بود خواجه که وزارت صنایع مستظرفه دربار را عهده دار بود و در زمان وزارت او در کارگاه دربار با استفاده از پوست درخت و کتان کهنه کاغذهای مرغوبتر از کاغذهای پیشین ساخته شد و به نام کاغذ سای لون به خاقان چین اهداء شد. به مناسبت این، در زمانهای بعدی سای لون را مخترع کاغذسازی می شناختند.

کاغذ ابری تا بحال بجز در کتاب آرایبی در رشته های مختلف صناعات مستظرفه به کار برده شده است. من نمی دانم که این نوع کاغذها در زمان اختراع برای چه کارهایی استفاده می شد. تنها چیزی که می دانم، کاغذهای ابری که در اواخر قرن دهم هجری بر روی آن خوشنویسی می شد از قدیمترین کاغذهای ابری شناخته شده است. از اینرو شاید بگویند که این کاغذ اصلاً برای خوشنویسی ساخته شد یا اینکه به دلیل کثرت حواشی کاغذ ابری در اوراق متن و حاشیه شده در نسخ خطی و مرقعات بگویند که کاغذهای ابری برای کتاب آرایبی به کار برده می شد. من هم در استفاده کردن کاغذ ابری برای خوشنویسی و کتاب آرایبی هیچ تردیدی ندارم. اما در واقع روشن نیست که در بدو اختراع فن ابری سازی، کاغذهای ابری غیر از خوشنویسی و کتاب آرایبی برای چه کار استفاده می شد.

همه می دانند که شناسایی کردن قدمت کاغذ ابری بسیار مشکل است. گویا در ترکیه کاغذ ابری خوشنویسی شده به تاریخ ۱۴۴۷ میلادی برابر با ۸۵۱-۲ هجری قمری موجود است اما من نه اصل و نه حتی عکس آن را هم ندیده ام و صحت این مطلب را نمی توانم بپذیرم. به خصوص نویسندگان این مطلب در این باره منابعی ذکر نکرده است.

آقای درمان که محقق ترکیه است به این مطلب هیچ اشاره ای نکرده است و ادعا می کند که قطعه خوشنویسی شده بر روی کاغذ ابری که رقم مالک دیلمی و تاریخ ۹۶۲ هجری را دارد و به ایشان تعلق دارد قدیم ترین کاغذ ابری است.

در کتابخانه ملک، رساله خوشنویسی و نقاشی قطب الدین محمد قصه خوان هست که به خط شاه محمود نیشابوری به سال ۹۶۴ استنساخ شد و به شکل مرقع تجلید شده است و بعضی اوراقش کاغذ ابری است. و متن رساله و عکس آن در دفتر ۱۸/۱۹ نامه بهارستان چاپ شده است.

اگر ادعای آقای درمان صحت داشته باشد کاغذهای ابری در رساله قطب الدین هم باید از قدیمترین کاغذهای ابری شناخته شود. حالا برمی گردم به موضوع کاربرد کاغذهای ابری که در زمان اختراع این فن ساخته می شد.

بیست و پنج سال پیش، خوشنویسانی که کاغذهای ابری من را دیده بودند می گفتند که اینگونه کاغذ به درد کار خوشنویسی نمی خورد، چون رنگهای به کاررفته به قدری تند است که به خط ها زیان می رساند. نظیر همین حرف را حتی اشخاصی نیز می زدند که به کار خوشنویسی اشتغال نداشتند. از این گفته ها متوجه شده بودم که اصولاً کاغذ ابری را برای خوشنویسی لایق نمی شناختند. شاید همین نظر از اوائل زمان اختراع این فن بوده باشد. به عنوان مثال قطعات خوشنویسی شده بر روی کاغذ ابری بیشتر سیاه مشق بود و حتی بوسیله تذهیب قسمتهای زیادی از نقشهای ابری پوشانده می شد. گواهی این استنباط شاید شناسایی نشدن قطعه خوشنویسی شده بر روی کاغذ ابری در دوره تیموری باشد. اگر کاغذ ابری را شایسته عمل خوشنویسی می دانستند همانا قطعه خوشنویسی شده از خطاطان نامی دوره اواخر تیموری مانند سلطانعلی مشهدی و غیره باقی می ماند. اما تا کنون چنین قطعه خوشنویسی را از دوران تیموری ندیده ام.

احتمالاً خوشنویسان آن زمان کاغذهای ساده را ترجیح می دادند و دوست داشتند که پس از انجام خوشنویسی مذهبان با تذهیب آرایش دهند.

با نگاهی به آثار هنری ایرانیان همیشه احساس می کردم که هنرمندان ایران به کارهای هرچه پیچیده تر و سخت تر تمایل داشته و هنوز هم دارند و به کارهای ساده چندان اعتنایی نمی کردند. همین روحیه انگیزه ای شده بود که ایرانی ها نفیس ترین آثار هنری را در سرزمینهای اسلامی بوجود بیاورند.

کاغذ ابری اگر رمزش را بفهمند، ساختش بسیار ساده است و پرنقش ترین کاغذ ابری نیز برای ساختن یک ورق، نیم ساعت بیش طول نمی کشد.

همچنین کاغذ ابری به تنهایی چیزی است بسیار ضعیف و از بین رفتنی. اگر روی آن چیزی نوشته نشده باشد چندان اهمیتی به آن داده نمی شود. یا اینکه اگر برای آرایش بر روی اشیایی چسبانده شده باشد، زیاد دوامی ندارد. شاید در زمان ابداع این فن، این نوع کاغذ به اشیایی چسبانده شده باشد اما به دلیل فرسودگی و سائیدگی باقی نمانده باشد. مثلاً کاغذهای ابری که بر روی قلمدانها چسبانده شده و تا بحال مانده است، رویش بوسیله روغن کمان پوشیده شده است. اما اگر کاغذهای ابری در زمان تیموری

بدون پوشش روغن کمان بر روی اشیایی چسبانده شده باشد، احتمالاً به دلیل فرسودگی کاغذ از بین رفته باشد. با توجه به این وضع، شاید بهتر باشد که برای کاربرد کاغذهای ابری، غیر از خوشنویسی و کتاب آرایی، دیگر امکانات را در نظر داشته باشیم.

به نظر من لازم است که ابری سازان ایران برای ساختن کاغذ ابری ایرانی با هنرمندان رشته های مختلف مشورت کنند و از لحاظ رنگ و نقش و کاربرد آن از آنها الهام بگیرند. با این عمل معتقدم که در آینده نزدیک کاغذ ابری شیوه جدید ایرانی که در آن کاملاً اصالت ایرانی محسوس می شود ابداع شود.

این هم ناگفته نماند که در این سفر نمونه های کاغذ ابری ابوطالب مدرس همدانی را روی جلد های نسخ خطی دیدم. البته قبلاً هم نظیر آن را در عکسهای قلمدانها دیده بودم. ابوطالب که در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری، یعنی حدود صدوشصت سال پیش فعالیت هنری داشت برای کاغذ ابری طرح بدیعی ابداع کرده بود. این طرح از نظر رنگ و شکل در کمال سادگی ساخته شد، اما امروزه شبیه سازی آن آثار بی نهایت دشوار است که اینجانب در این کار درمانده است.

به نظر اینجانب طرح ابوطالب شاید بهترین نمونه راهنمای طرح کاغذ ابری اصیل ایرانی باشد و امیدوارم روزی طرح آن را ابری سازان ایران احیا کنند و بر اساس این روش، روشهای گوناگونی بوجود بیاورند که ابری دوستان جهان از دیدن آن، شیوه ایرانی را احساس کنند.

منبع: کتابخانه تخصصی تاریخ ایران و اسلام

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۷۷۳/ایرانی-کاغذ-مختر-ایرانیان/۲۹۷۷۳>